

# سیاه چاله‌ای بنام نقدینگی

مهندس علیرضا حائری - عضو هیئت مدیره جامعه متخصصان نساجی ایران

در سال ۱۳۹۲ و در شروع به کار دولت یازدهم و یا همان دولت تدبیر و امید و بر طبق آمارهای رسمی، نقدینگی موجود در جامعه در حدود ۴۹۱ هزار میلیارد تومان تخمین زده می‌شد و همواره این حجم از نقدینگی و میزان افزایش آن در دولت دهم مورد انتقاد قرار می‌گرفت. اما پس از گذشت ۵ سال از آن تاریخ، اینک و در سال ۱۳۹۷، حجم نقدینگی با افزایش ۳ برابری نسبت به سال ۱۳۹۲ به میزان ۱۷۰۰ هزار میلیارد تومان رسیده و به سیاه چاله‌ای عظیم تبدیل شده که همه چیز را بلعیده و در خود هضم می‌کند، بدون این که تاثیری مثبت بر جای بگذارد. این در حالی است که یکی از مشکلات چند سال اخیر صنایع، همواره کمبود نقدینگی بوده و صاحبان این صنایع از کمبود نقدینگی برای تامین مواد اولیه و سایر نیازهای روزمره خود رنج می‌برند.

به طور طبیعی این حجم از نقدینگی و افزایش غیر متعارف آن باید موجب بروز تورم در جامعه شود، لیکن وجود رکود در بازار و همچنین سیاست جذب بخشی از این نقدینگی توسط بانک‌ها تا سال گذشته از بروز این اتفاق جلوگیری نمود، تا اینکه مسئولین اقتصادی کشور و با نیت هدایت این نقدینگی به سوی تولید، تصمیم به کاهش ۱۰ تا ۱۵ درصدی سود سپرده های بانکی گرفتند، تصمیمی که در همان هنگام نیز با هشدارهایی روبرو گردید و برخی اعتقاد داشتند که رها سازی این حجم از نقدینگی ضمن اینکه منابع بانک‌ها را برای ارائه تسهیلات به بنگاه‌های اقتصادی با محدودیت روبرو می‌سازد، همچنین باعث خواهد شد که این نقدینگی رها شده بسوی بازارهای واسطه گری متمایل شده و سر از تولید در نیابد. برخی هم پیشنهاد می‌کردند تا کاهش سود سپرده ها به تدریج و در چند مرحله انجام شود تا از وارد نمودن شوک به اقتصاد کشور جلوگیری شود که البته گوش شنوایی وجود نداشت و بانک مرکزی با صدور اطلاعیه ای هشت ماده ای بر تصمیم خود پای فشرده و غول نقدینگی را بیدار و از جای خود به حرکت درآورد، غافل از اینکه قادر به کنترل آن نبوده و

نمی‌تواند آن را به سوی تولید هدایت نماید. (منظور این نیست که کل نقدینگی کشور فقط در شبکه بانکی محبوس بوده، بلکه منظور این است که این تصمیم باعث خروج بخشی از این نقدینگی از شبکه بانکی و سرایز شدن بهمن وار آن بسوی بازارهای جذاب دلالی و واسطه‌گری گردید و در سر راه خود با جذب سرمایه های دیگر هر لحظه بر حجم و ابعاد آن افزوده گردید).

چند صباحی از این تصمیم بانک مرکزی و بیدار کردن غول نقدینگی و رها سازی آن در جامعه و ناتوانی دولت از هدایت آن به سوی تولید نگذشته بود که این غول تنوره کشان به بازارهای مختلف سر زد و آنها را ملتهب ساخت.

البته در مقطعی بانک مرکزی مجددا تصمیم گرفت تا نرخ سود بیست درصدی برای بانکها را برای مدتی محدود تجدید نماید که آن هم کار ساز نبود و بر طبق سنت قبلی، ابتدا این نقدینگی متوجه بازار سکه و ارز شد و در مدتی کمتر از شش ماه، نرخ ارز در بازار را تا دو برابر و نرخ سکه را تا سه برابر افزایش داد. اما باز هم آرام نگرفت و به سیاه چاله ای تبدیل شد که هر چه را در سر راه خود می‌دید، می‌بلعید و به راه خود ادامه می‌داد و دولت را مجبور کرد تا بسیاری از سیاست‌های ارزی دولت دهم را مجددا احیا نماید، همانند پیمان سپاری ارزی و اجبار به فروش ارز حاصل از صادرات به سیستم بانکی، آن هم در فرصتی دو ماهه از زمان انجام صادرات و حتی فراتر از آن، اعلام قاچاق بودن هرگونه خرید و فروش ارز توسط صرافی‌ها و یا هر جای دیگری بغیر سیستم بانکی.

تعیین نرخ ارز ۴۲۰۰ تومانی برای واردات کالا از دیگر تصمیمات دولت بود که تا کنون باعث ایجاد رانتی ۲۰ هزار میلیارد تومانی برای وارد کنندگان کالا شده و پیش‌بینی می‌شود در صورت تداوم این سیاست تا پایان امسال تا مرز ۱۵۰ هزار میلیارد تومان نیز افزایش باید که همین موضوع بسیاری از نهادهای نظارتی و همچنین قوه قضاییه را نیز درگیر این سیاست‌ها نموده، به نحوی

که تاکنون صدها پرونده تخلف ارزی در این قوه و همچنین ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز تشکیل شده و انبوهی از مشکلات را برای کشور ایجاد نموده است. همزمان، مجلس شورای اسلامی و کمیسیون‌های مربوطه، بخصوص کمیسیون اقتصادی آن نیز به‌طور جدی وارد ماجرا شده و جلسات متعدد علنی و غیر علنی در این خصوص تشکیل داده و همزمان ده‌ها مصوبه دیگر نیز از سوی بانک مرکزی، ستاد اقتصاد مقاومتی و هیئت دولت ابلاغ شده که البته تا کنون نتیجه ملموسی برای ایجاد ثبات و برگرداندن آرامش به بازار سکه و ارز نداشته و نتوانسته کاهش ۵۰ درصدی ارزش پول ملی کشور را جبران نماید و همین موضوع به هجوم بیشتر مردم برای تبدیل نقدینگی ریالی خود به کالا و ارز و سکه منجر شده و یک رزونانس و تاثیر متقابل منفی را ایجاد نموده است.

خودروسازان هم از این خوان گسترده بی بهره نمانده به نحوی که هجوم سه ساعته این نقدینگی برای خرید خودروی پراید، منجر به فروشی معادل ۲۵۰ میلیارد تومان گردید که از دیگر تبعات این آزاد سازی بوده است و خدا را شکر احتمالاً با پایان یافتن موجودی ماشین‌های پراید، این هجوم خاتمه یافت، و گرنه غول نقدینگی که همچنان مبارز می‌طلبد!

البته بورس هم از وجود این بازار آشفته و افزایش نرخ ارز بی نصیب نماند و بالاخره توانست برای اولین بار قله یکصد هزار واحدی را فتح نموده و هر روز رکوردی جدید را ثبت نماید.

خلاصه کلام اینکه: نقدینگی ۱۷۰۰ هزار میلیارد تومانی فعلی که در پنج سال اخیر با افزایشی سه برابری مواجه بوده و فراری دادن بخشی از آن از شبکه بانکی با تصمیمات غیر کارشناسی و عدم توان دولت در مهار و هدایت آن به سوی تولید و همزمان وجود بازارهای جذابی همانند ارز و سکه و ... و عطش سیری ناپذیر آن، تبدیل به سیاه چاله‌ای عظیم شده که همه چیز را در مسیر خود بلعیده و بر قدرت خود می‌افزاید و فعلاً هم قصدی برای کوتاه آمدن ندارد.